



رابطه‌ی خودباوری و عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان (پژوهش مقطعی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲)

نیما صادقزاده بلیل^۱، نازنین شهرکی^۲ علی شفیعی^۳ مهدی راهنمای^۴

۱- کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی، راهنمایی و مشاوره (امور تربیتی)، پردیس رسالت زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران.

۳- کارشناسی، آموزش مشاوره، پردیس شهید بهشتی، خراسان رضوی، ایران.

۴- کارشناسی، جامعه‌شناسی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران.

Nimasadeghzadehbilil@gmail.com

چکیده

طلاق توافقی به‌طور خلاصه طلاق توافقی به طلاق گفته می‌شود که زوجین به هر دلیلی تمایل دارند با تفاهم از هم جدا شوند هر توافقی که آنها در خصوص مهریه، نفقه، جهیزیه، حضانت و ملاقات فرزند داشته باشند. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی خودباوری و عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان (پژوهش مقطعی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲) بوده است، روش پژوهش به صورت توصیفی-همبستگی بوده است، جامعه‌ی آماری پژوهش، زوجین متقاضی طلاق در استان اردبیل بوده است، نمونه‌ی آماری ۲۲ زوج متقاضی طلاق بوده است (۲۲ نفر مرد، ۲۲ نفر زن) که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. پایایی پرسشنامه‌های استفاده شده بالای ۰/۷۰ به دست آمد، براساس آزمون کولموگروف-اسمیرنف، برای آزمون فرضیه‌ها به دلیل پارامتریک بودن از ضریب همبستگی پیرسون با نرم افزار SPSS استفاده گردید. روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه بوده است، ابزار مورد نظر در این پژوهش از تکنیک گردآوری اطلاعات استفاده از پرسشنامه‌های، طلاق عاطفی صفاری نیا و ادب دوست (۱۳۹۰)، پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) و پرسشنامه خودباوری در سال ۱۳۸۹ توسط آزادی بوده است، یافته‌ها به وجود رابطه‌ی همبستگی منفی میان متغیر خودباوری با طلاق توافقی رابطه‌ی معکوس معنادار (۲= -۰/۷۴) و میان عزت نفس با طلاق توافقی (۲= -۰/۵۹) رابطه‌ی معکوس و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش بیان می‌کند که با افزایش عزت نفس و خودباوری می‌توان از طلاق توافقی میان زوجین جلوگیری نمود.

کلمات کلیدی: خودباوری، عزت نفس، همبستگی، طلاق توافقی.



مقدمه

داشتن عزت نفس سالم یک نیاز اساسی انسان است. تقویت عزت نفس در زندگی، سرمایه گذاری بزرگی محسوب می‌شود؛ زیرا عزت نفس ضعیف، موجب می‌شود که انسان خود واقعی اش را با شرمندگی پنهان کند، عزت نفس میزان ارزشی است که فرد برای خود قایل می‌شود. و میزان احترامی است که به شخصیت خود می‌گذارد (امیرحسینی، ۱۳۸۳: ۵۶). عزت نفس سرمایه‌ای است که در نهاد انسان‌ها قرار دارد و باید استخراج و پرورش یابد، بر خلاف فضایل اکتسابی که به زحمت باید آن را تحصیل کرد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۹). عزت نفس نتیجه‌ای از فرایند تعریف خود یا خودشناسی است که در درون گروه رخ می‌دهد و هم‌زمان با هم موجب ابقاء و حفظ حریم فردی و گروه می‌شود. عزت نفس به واسطه‌ی «خودی» که برای خویشتن تعریف می‌کند از هیجان‌ات منفی که ممکن است حریم «خود» را مورد حمله قرار می‌دهند محافظت می‌کند (الیسیا و پیتیری^۱، ۲۰۰۲). عزت نفس عموماً به ارزیابی مثبت فرد از خودش اشاره دارد. این مفهوم ترکیبی است از دو بعد فطری که شامل شایستگی و ارزش است. بعد شایستگی این مؤلفه به درجه‌ای دارد که افراد خودشان را با استعداد و با کفایت می‌دانند و بعد ارزشمندی اشاره به درجه‌ای دارد که افراد احساس می‌کنند که شخص با ارزشی هستند (جکاس، ۱۹۸۲، به نقل از دراهکی، ۱۳۹۲). عزت نفس عبارت است از ارزشمند بودن، این حس از مجموع افکار، احساس‌ها، عواطف و تجربیات فرد در طول زندگی ناشی می‌شود. فردمی‌اندیشد که باهوش یا کودن هست، احساس می‌کند که شخص منفور یا دوست داشتنی هست، خود را دوست دارد یا ندارد. مجموعه هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه‌ای که از خویشتن دارد باعث می‌شود که نسبت به خود احساس خوشایند ارزشمند بودن و یا بر عکس احساس ناخوشایند داشته باشد «آنچه مسلم است انسان بی آنکه احساس ارزش به خود داشته باشد نمی‌تواند زندگی کند، هر فردی به تدریج در طول حیات به تعیین ارزش‌های خود می‌پردازد به حدی از آن دست پیدا می‌کند و همواره چنان می‌تازد که بتواند ارزش خود را از هر گزندی مصون بدارد و در صورت امکان به طرق گوناگون و دوری جستن از موقعیت‌هایی که به ارزشش صدمه وارد می‌آورد خود را برتر نشان می‌دهد و احساس کفایت کند (رضا زاده، ۱۳۷۶). عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن. این حس، از مجموع افکار، احساس‌ها عواطف و تجربیات‌مان در طول زندگی ناشی می‌شود. افرادی که احساس خوبی نسبت به خود دارد، معمولاً احساس خوبی نیز به زندگی دارند. آن‌ها می‌توانند با اطمینان، با مشکلات و مسئولیت‌های زندگی مواجه شوند و از عهده‌ی آن‌ها برآیند (حسینی، ۱۳۸۲). عزت نفس را می‌توان عقیده‌ای که فرد درباره مجموعه توانایی‌ها و شایستگی‌ها و ویژگی‌های خود دارد تعریف کرد. به طور کلی میزان عزت نفس، در طول دوره نوجوانی، به استثناء مواقعی که در محیط دگرگونی‌های مهم رخ می‌دهد، به همراه سن افزایش می‌یابد. البته، بین دختران و پسران از نظر تحول عزت نفس تفاوت‌هایی وجود دارد (گنجی، ۱۳۷۶ به نقل از دراهکی، ۱۳۹۲). عزت نفس چیزی به مراتب بیش از احساس خود ارزشمندی است. به طور دقیق عبارت "نفس" یعنی: اعتماد به توانایی خود در اندیشیدن و اعتماد به توانایی خود در کنار آمدن با چالش‌های اولیه‌ی زندگی است. اعتماد به حق خود برای موفق و شاد بودن است، احساس ارزشمند بودن و شایسته بودن است. داشتن حق ابراز نیازها و خواسته‌هاست. تمایل به رسیدن و نیل به ارزش‌ها و برخوردار شدن از ثمرات تلاش‌های خویشتن است (ناتایل براندن، ۱۳۸۰). داویس^۲ (۱۹۹۰) معتقد است که عزت نفس یعنی این‌که فرد تا چه اندازه خود را با ارزش احساس کند. عزت نفس شامل احترام و رضایت‌مندی فرد از خودش است (دوراهکی، ۱۳۹۲). کوپر اسمیت (۱۹۹۷)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که عزت نفس بالا فرد را در مقابل انواع مشکلات و مسائل زندگی، فشارهای روانی و موارد مرتبط آن مقاوم خواهد کرد. عزت نفس به عنوان عاملی است که می‌تواند درک و تفسیر و واکنش‌های هیجانی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و نیز می‌تواند در میزان استرس‌زایی رویدادها، عاملی تعیین کننده باشد. عزت نفس به منزله مجموع بازخوردها و عقایدی است که فرد در روابط خویشتن با دنیای بیرونی ابراز می‌دارد، یعنی بیان عدم تأیید یا تأیید فرد نسبت به انتظار موفقیت، پذیرش و واکنش به تعیین کننده‌های شخصی (به نقل از

^۱ Alicia & Petery

^۲ Davis



پوردهقان و همکاران، ۱۳۸۷). تیمورپور و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه سبکهای دلبستگی، رضایت مندی زناشویی و احساس گناه جنسی با میل جنسی در زنان را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که زنان دارای سبک دلبستگی ایمن، دوسوگرا و رضایت‌مندی زناشویی بالا، میل جنسی بالاتری دارند. از طرف دیگر زنان دارای سبک دلبستگی اجتنابی احساس گناه جنسی بیشتری می‌کنند، سنشان بالاتر است و مدت زمان بیشتری از ازدواجشان می‌گذرد، میل جنسی پایین‌تری را گزارش می‌نمایند. در رابطه با تکوین و شکل‌گیری عزت نفس صاحب نظران دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. در برخی از این دیدگاه‌ها به زمینه‌های خانوادگی و دیدگاه‌های دیگر به زمینه‌های اجتماعی و شناختی توجه شده است. بر اساس دیدگاه روان‌پویشی شکل‌گیری عزت نفس به این صورت است که نوزاد پس از تولد از وابستگی و نیاز به بزرگسالان آگاه می‌شود. اگر نوزاد در خانواده‌های پذیرنده متولد شده باشد و از طرف خانواده مورد محبت و نوازش قرار گیرد، به تدریج در طی رشد احساس ارزشمندی می‌کند و والدین را به عنوان موضوعاتی خوب، درونی می‌کند و بر اثر تکرار تأیید و تصدیقات بیرونی، حس ارزشمندی در فرد درونی می‌شود (استور^۱، به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۲). علاوه بر سبک دلبستگی، عزت نفس نیز یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار در انسان به شمار می‌رود. ارول و اورث^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه خود با هدف بررسی تاثیر عزت نفس بر رضایت از رابطه زناشویی بر روی ۵ نمونه مستقل از زوجها دریافتند که عزت نفس پیش‌بینی‌کننده رضایت افراد از رابطه خود با همسر و رضایت همسرش از زندگی مشترک می‌باشد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد سبک دلبستگی ایمن، نقش عزت‌نفس در رضایت از زندگی زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ارول و اورث نتیجه‌گیری می‌کنند سبک دلبستگی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عزت‌نفس و در نتیجه در رضایت از زندگی زناشویی تاثیر می‌گذارد. عزت‌نفس در شکل‌گیری و حفظ رضایت از زندگی زناشویی اثرگذار است و مطالعات نشان می‌دهد نه تنها عزت‌نفس با رضایت از رابطه زناشویی همبستگی دارد (اسکیانگولا و موری^۳، ۲۰۰۹)، بلکه پیش‌بینی‌کننده رضایت از رابطه زناشویی در درازمدت است (اورث و دیگران^۴، ۲۰۱۲). به علاوه، مطالعات نشان داد عزت‌نفس پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی مشترک است؛ برعکس رضایت از رابطه زناشویی پیش‌بینی‌کننده عزت‌نفس بالا نیست (همان منبع). در حقیقت، برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند تعیین‌کننده‌ی چگونگی برخورد آنها با مسائل مختلف است. فردی که عزت‌نفس پایین دارد و برای خود ارزش و احترامی قایل نیست، ممکن است دچار انزوا، گوشه‌گیری و یا پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی شود و این عوامل بر روابط زناشویی تاثیر می‌گذارد (مکی و اسمیت^۵، ۲۰۰۲). تری^۶ (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان داد که افزایش عزت‌نفس برای پیشگیری از مشکلاتی که ممکن است بر اثر عزت‌نفس پایین (حتی در زندگی زناشویی) به وجود آید ضروری است. همچنین مطالعات متعددی نقش عزت‌نفس در سازگاری اجتماعی را نشان داده‌اند. اعتقاد بر این است که بین سازگاری شخصی مطلوب و عزت‌نفس ارتباط متقابلی وجود دارد (کاتا و جوینر^۷، ۲۰۰۲). لنز و همکاران^۸ (۱۹۹۹) در پژوهشی به بررسی «ارتباط فرزند-والدین و عزت‌نفس نوجوان» در خانواده‌های جدا و طلاق‌گرفته، خانواده‌های دارای فرزند خوانده و خانواده‌های منسجم و عادی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که نوجوانان از خانواده‌های طلاق‌گرفته نسبت به دو گروه دیگر عزت‌نفس پایین‌تری داشتند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین عزت‌نفس بالا و ویژگی‌های شخصیتی مثبت در افراد رابطه وجود دارد. افرادی که عزت‌نفس بالایی دارند، دارای ویژگی‌های چون پختگی روانی، ثبات، واقع‌گرایی، آرامش، توانایی بالا در تحمل ناکامی و شکست می‌باشند. در حالی که افرادی که عزت‌نفس پایینی دارند از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نیستند (هال و رو^۹، ۱۹۹۱) و هر چه که این

^۱ Store

^۲ Erol, Orth

^۳ Sciangula & Morry

^۴ Orth

^۵ Makie&Smit

^۶ Teri

^۷ Kata & Joiner

^۸ Lanz

^۹ Haal, Row



ویژگی در افراد بیشتر باشد به دنبال آن رضایت از زندگی زناشویی نیز گزارش خواهد یافت. نجم (۲۰۰۵)، نیز با هدف بررسی رابطه سبک دلبستگی، هوش هیجانی و رضایت زناشویی، تحقیقی بین مردان و زنان پاکستانی انجام داد. و نتیجه گرفت که افراد باهوش هیجانی بالا، به طور معنادار، رضایت زناشویی بیشتری را گزارش دادند. پینز (۲۰۰۵)، نقش دلبستگی های متقابل بزرگسالان را در روابط زوجین مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که مشخصه های پیوند عاطفی بین زوجین با مشخصه های پیوند عاطفی کودک، مادر قابل مقایسه است و سبک های شناخته شده دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، افکار، احساسات و رفتار زوجین را در روابط زناشویی تحت تأثیر قرار می دهد. پژوهش های هارتر (۱۹۹۹)، نشان داد مردان نسبت به زنان عزت نفس بالاتری دارند. اما علیرغم این نتایج، بیشتر پژوهش ها، حاکی از عدم تفاوت بین دو جنس در عزت نفس است، و فقط تعداد کمی از پژوهش ها بالاتر بودن عزت نفس مردان نسبت به زنان را نشان داده اند (وید و همکاران، ۱۹۸۹؛ جوزف و همکاران، ۱۹۹۲، بایرن، ۲۰۰۰). پوردهقان و همکاران (۱۳۸۷)، رابطه بین عزت نفس و رضایت زناشویی را در بین معلمان مدارس راهنمایی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که رابطه بین عزت نفس و رضایت زناشویی معلمان زن و مرد مثبت و مستقیم است و سطح عزت نفس معلمان زن بیشتر از معلمان مرد است، اما تفاوت بین رضایت زناشویی معلمان زن و مرد معنی دار نبود. ربیعی و علیخانی (۱۳۸۶)، ارتباط بین سبک های دلبستگی و رضایت مندی زناشویی دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور بروجن را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که بین دلبستگی اضطرابی/اجتنابی و رضایت مندی زناشویی دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور بروجن رابطه معناداری وجود نداشت. اما بین دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا و رضایت مندی زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور بروجن رابطه معناداری وجود داشت. در پژوهش های کرنیس، براکنر، و فرانکل^۱ (۱۹۸۹)، همبستگی دو سویه عزت نفس و تصور فرد از توانایی خود تایید شد، بدین سان که اگر عزت نفس کاهش یابد، احساس ضعف و ناتوانی در فرد پدید می آید، و به عکس، با افزایش عزت نفس، فرد احساس توانمندی و ارزشمندی می کند و این احساس توانمندی و ارزشمندی در بهبود روابط زناشویی تأثیر می گذارد. با توجه به مفاهیم مطرح شده، مبانی نظری و پیشینه های مورد نظر، این پژوهش به دنبال بررسی رابطه خودباوری و عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان (پژوهش مقطعی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲) بوده است. همچنین دو فرضیه برای این پژوهش مطرح می - گردد: بین خودباوری با طلاق توافقی در مردان و زنان همبستگی منفی وجود دارد. بین عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان همبستگی منفی وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی و جزو پژوهش های کاربردی است. از آنجایی که تحقیق حاضر به رابطه خودباوری و عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می پردازد، لذا طرح تحقیق حاضر از نوع مقطعی می باشد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش زوجین متقاضی طلاق در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ است. براساس این جامعه آماری، نمونه آماری به صورت نمونه گیری هدفمند انتخاب شد و ۲۲ زوج مورد نظر انتخاب شدند، که خواستار طلاق توافقی بوده اند.

^۱ Kernis, Brockner, Frankel

یافته‌های پژوهش

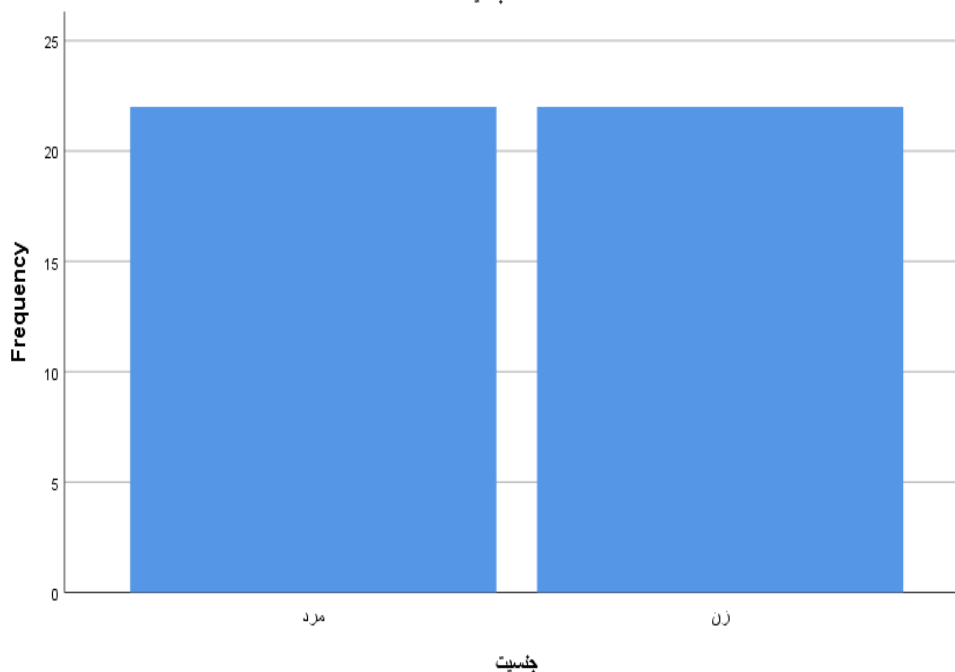
آمار توصیفی

جنسیت

جدول (۱) جنسیت زوجین

| | فراوانی | درصد | درصد قطعی | درصد تجمیعی |
|-----|---------|------|-----------|-------------|
| زن | ۲۲ | ۵۰ | ۵۰ | ۵۰ |
| مرد | ۲۲ | ۵۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| کل | ۴۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

جنسیت



براساس آمار توصیفی به دست آمده در مولفه‌ی جنسیت ۲۲ نفر زن که شامل ۵۰ درصد و ۲۲ نفر که شامل ۵۰ درصد بوده است.

تحصیلات

| | تعداد افراد | درصد | درصد قطعی | درصد تجمیعی |
|-----------|-------------|------|-----------|-------------|
| دیپلم | ۵ | ۱۱,۴ | ۱۱,۴ | ۱۱,۴ |
| فوق دیپلم | ۱۴ | ۳۱,۸ | ۳۱,۸ | ۴۳,۲ |



| | | | | |
|------------|----|------|------|------|
| لیسانس | ۹ | ۲۰,۵ | ۲۰,۵ | ۶۳,۶ |
| فوق لیسانس | ۸ | ۱۸,۲ | ۱۸,۲ | ۸۱,۸ |
| دکتری | ۸ | ۱۸,۲ | ۱۸,۲ | ۱۰۰ |
| کل | ۴۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

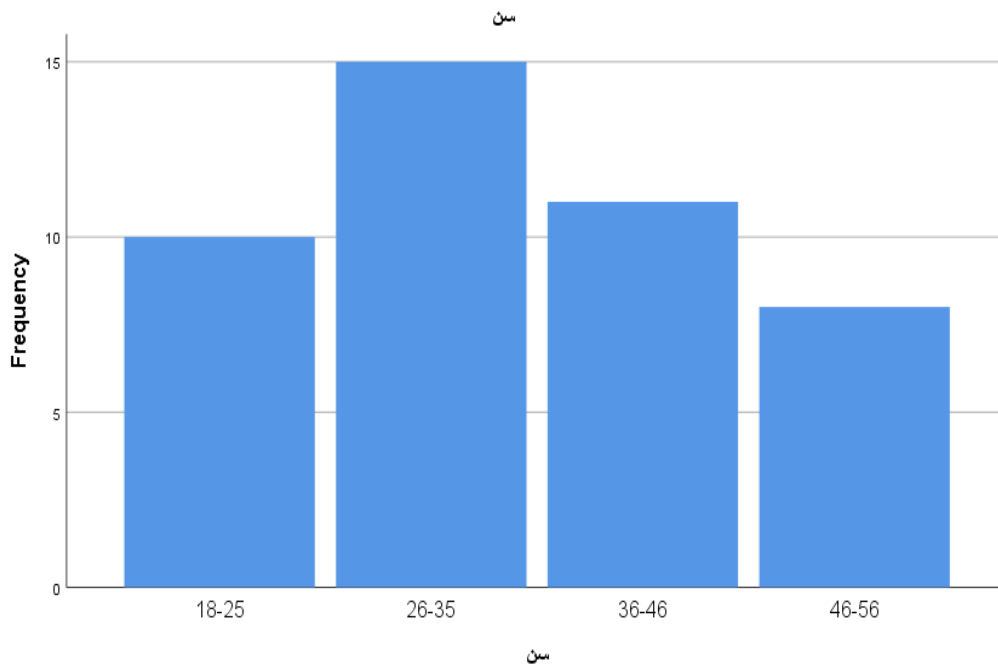
جدول (۲) تحصیلات زوجین

براساس آمار توصیفی به دست آمده برای مولفه‌ی مقطع تحصیلی ۵ نفر دیپلم، ۱۴ نفر فوق دیپلم، ۹ نفر لیسانس، ۸ نفر لیسانس، ۸ نفر دکتری بوده است که درصدهای مورد نظر در جدول یاقت شد.

سن

| | فراوانی | درصد | درصد قطعی | درصد تجمیعی |
|-----------|---------|------|-----------|-------------|
| ۱۸-۲۵ سال | ۱۰ | ۲۲,۷ | ۲۲,۷ | ۲۲,۷ |
| ۲۶-۳۵ سال | ۱۵ | ۳۴,۱ | ۳۴,۱ | ۵۶,۸ |
| ۳۶-۴۶ سال | ۱۱ | ۲۵ | ۲۵ | ۸۱,۸ |
| ۴۶-۵۶ سال | ۸ | ۱۸,۲ | ۱۸,۲ | ۱۰۰ |
| کل | ۴۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

جدول (۳) سن شرکت کنندگان در پژوهش



براساس آمار توصیفی به دست آمده برای مولفه‌ی سن، ۱۰ نفر ۱۸-۲۵ سال، ۱۵ نفر ۲۶-۳۵ سال، ۱۱ نفر ۳۶-۴۶ سال، ۸ نفر ۴۶-۵۶ سال بوده است که درصد‌های مورد نظر در جدول بیان شده است.

آمار استنباطی

فرضیه اول

فرض صفر: بین خودباوری با طلاق توافقی در مردان و زنان همبستگی منفی وجود ندارد.
فرض خلاف: بین خودباوری با طلاق توافقی در مردان و زنان همبستگی منفی وجود دارد.

جدول (۴) محاسبه ضریب همبستگی پیرسون

| | | خودباوری | طلاق توافقی |
|---------------------|---------------------|----------|-------------|
| ضریب همبستگی پیرسون | خودباوری | ۱ | -۰/۷۴ |
| | سطح معناداری | | ۰/۰۰۰ |
| | تعداد | ۴۰ | ۴۰ |
| طلاق توافقی | ضریب همبستگی پیرسون | -۰/۷۴ | ۱ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۰۰ | |

| | | |
|-------|----|----|
| تعداد | ۴۴ | ۴۴ |
|-------|----|----|

در اینجا ضریب همبستگی خودباوری و طلاق توافقی ۰/۷۴ - است. این ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه همبستگی مثبت وجود دارد، یعنی افزایش خودباوری، طلاق توافقی را کاهش می‌دهد. (وجود علامت -)، همچنین با توجه به میزان Sig یا همان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این دو متغیر معنادار می‌باشد چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد با ۹۵ درصد احتمال همبستگی منفی وجود دارد.

فرضیه دوم

فرض صفر: بین عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و همبستگی منفی وجود ندارد.

فرض خلاف: بین عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان همبستگی منفی وجود دارد.

جدول (۵) محاسبه ضریب همبستگی پیرسون

| | | عزت نفس | طلاق توافقی |
|--------------|----------------------|---------------------|-------------|
| ضریب همبستگی | ضریب همبستگی اسپیرمن | ۱ | -۰/۵۹۴ |
| | سطح معناداری | | ۰/۰۱۲ |
| پیرسون | تعداد | ۴۰ | ۴۰ |
| | طلاق توافقی | ضریب همبستگی پیرسون | -۰/۵۹۴ |
| | سطح معناداری | ۰/۰۱۲ | |
| | تعداد | ۴۴ | ۴۴ |

در اینجا ضریب همبستگی عزت نفس و طلاق توافقی زوجین ۰/۵۹۴ - است. این ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه همبستگی منفی وجود دارد، یعنی با افزایش عزت نفس، طلاق توافقی کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به میزان Sig یا همان معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این دو متغیر معنادار می‌باشد. پس با احتمال ۹۵ فرض صفر رد شده و فرض خلاف پذیرش می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی خودباوری و عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان (پژوهش مقطعی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲) بود که یافته‌های پژوهش نشان داد، بین خودباوری با طلاق توافقی در مردان و زنان همبستگی منفی وجود دارد. بین عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان همبستگی منفی وجود دارد. براساس نتایج به دست آمده پژوهش‌های دیگری در این زمینه نتایج این پژوهش را تبیین می‌کنند، ویرجینیا ستیر^۱ معتقد بود افزایش عزت نفس افراد در خانواده به منظور ایجاد تغییر در نظام میان فردی آن هاست. او بین عزت نفس و ارتباط میان فردی، یک همبستگی مستقیم یافت و عزت

^۱ Virginia Setir



نفس پایین را با ارتباط ضعیف همخوان و هم پیوند می دانست. نقش ها اثرهای عمده ای بر کارایی مؤثر خانواده از طریق نفوذ قواعد، فرایندهای ارتباطی و پاسخ به فشارهای روانی دارند. هنگامی که اعضای خانواده از همه رویدادهایی که در زمان حال تجربه می کنند، آگاه شوند، می توانند هم به عنوان فرد و هم به عنوان خانواده رشد کنند. ستیر به طرز ویژه ای بر تخلیه انرژی و از نظر جهت گیری انرژی های متوقف شده از طریق تسهیل در رشد و افزایش عزت نفس و بهبود مهارت های ارتباطی تأکید می ورزد (نوابی نژاد، ۱۳۷۸). پژوهش های هارتر (۱۹۹۹)، نشان داد مردان نسبت به زنان عزت نفس بالاتری دارند. اما علیرغم این نتایج، بیشتر پژوهش ها، حاکی از عدم تفاوت بین دو جنس در عزت نفس است، و فقط تعداد کمی از پژوهش ها بالاتر بودن عزت نفس مردان نسبت به زنان را نشان داده اند (وید و همکاران، ۱۹۸۹؛ جوزف و همکاران، ۱۹۹۲، بایرن، ۲۰۰۰). پژوهش های هارتر (۱۹۹۹)، نشان داد مردان نسبت به زنان عزت نفس بالاتری دارند. اما علیرغم این نتایج، بیشتر پژوهش ها، حاکی از عدم تفاوت بین دو جنس در عزت نفس است، و فقط تعداد کمی از پژوهش ها بالاتر بودن عزت نفس مردان نسبت به زنان را نشان داده اند (وید و همکاران، ۱۹۸۹؛ جوزف و همکاران، ۱۹۹۲، بایرن، ۲۰۰۰). اهمیت عزت نفس ناشی از رابطه تنگاتنگ آن با رشد سازش یافته و عملکرد شخصیت است (نیس و همکاران، ۲۰۰۲). ماسودا (۲۰۰۳)، در ارزیابی رضامندی جنسی میان همسران کوری های مقیم آمریکا دریافت که شوهران بیش از زنان از کیفیت رابطه جنسی خود رضایت دارند. مشخص شده که میزان عزت نفس، با نگرش مثبت و همدلی زن و شوهر و با ارضای جنسی بهتر و کامل تر مرتبط است و در جوان ترها با رضامندی جنسی همبستگی بیشتری دارد، همچنین ممکن است تفاوت فرهنگی زن و شوهر از میزان رضایت جنسی آن ها بکاهد. فقدان اعتماد به نفس به عنوان یکی از علل بارز سرد مزاجی بر شمرده شده است ولیکن نتایج پژوهش وسیتمر و لوپاتر (۲۰۰۵) آشکار ساخت، ناپهنجاری های جنسی منجر به کاهش اعتماد به نفس و احساس ناکارآمدی در فرد می شوند، از آن جا که مسایل جنسی و توانایی برقراری یک ارتباط جنسی مطلوب، یکی از اجزای شخصیت و خود پنداره فرد محسوب می شود، زمانی که فرد در عملکرد جنسی با مشکل مواجه می شود، خود را به عنوان یک شریک جنسی فاقد صلاحیت می بیند و این مسئله اعتماد به نفس او را کاهش می دهد. مولر و همکاران (۲۰۰۷)، رابطه سبک دلبستگی و روابط زوجین را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که مادران و پدران که دلبستگی اضطرابی بیشتری گزارش داده بودند، در روابط زناشویی نیز رضایت کمتری داشتند. رجایی و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه بین سبکهای مختلف دلبستگی با رضایتمندی زناشویی را مورد مطالعه قرار دادند. یافته های تحقیق نشان داد که بین رضایت زناشویی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت معنی دار و با سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه منفی معنی دار وجود دارد. همچنین سبک های دلبستگی می تواند واریانس زناشویی را بطور معنی داری تبیین کند. باید توجه داشت که عزت نفس عامل مهمی برای پیشرفت و موفقیت افراد در همه کارها و در زندگی زناشویی است و محیط نیز نقش تأثیرگذاری در شکل گیری آن دارد، و رضایت زناشویی حاصله مبادله رفتارهای پاداش بخش است. رضایت زناشویی، احساسات عینی از خشنودی، و رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهری است که همه جنبه های ازدواجشان را مدنظر قرار می دهند. وقتی فرد ارزیابی مثبت از خصوصیات خود داشته باشد دارای عزت نفس بالا و وقتی نتیجه این ارزیابی منفی باشد دارای عزت نفس پایین است. افرادی با عزت نفس بالا دارای هدف های عالی تر و متعددتری هستند و شوق زیادی دارند تا با موفقیت های تازه و موضوعاتی روبه رو شوند که استعداد و نیروهای آن ها را به طور عمده به کار می گیرد (عظیمی، ۱۳۸۰). مویدفر و همکاران (۱۳۸۶)، رابطه ی سبک های دلبستگی و عزت نفس اجتماعی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی مضطرب/ دوسوگرا می توانند واریانس متغیر عزت نفس اجتماعی را به صورت معنادار تبیین کنند، یعنی افزایش سبک دلبستگی ایمن باعث افزایش عزت نفس اجتماعی می شود و افزایش سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی مضطرب/ دوسوگرا باعث کاهش عزت نفس اجتماعی می شود. مطالعات نشان می دهد افرادی که عزت نفس



پایینی دارند می‌پندارند که همسرشان نیز به همین شکل (به شکل منفی) به آنها می‌نگرند که به ایجاد نگرانی در مورد طرد شدن از سوی همسر منجر می‌شود (شاور^۱، ۲۰۰۵)، و در طولانی مدت باعث کاهش عشق و تعهد در رابطه زناشویی خواهد شد (استار و داویلا^۲، ۲۰۰۸). شاکلفورد^۳، (۲۰۰۱) در مطالعه خود با عنوان عزت نفس در ازدواج دریافت که عزت نفس زوجین همبستگی منفی با تعارضات زناشویی و عدم رضایت از زندگی زناشویی دارد. به عبارتی زوجینی که عزت نفس بیشتری دارند از زندگی زناشویی خود رضایت بیشتری دارند و زندگی‌شان پایدارتر است. در پژوهشی که توسط کورش‌نیا (۱۳۸۶) انجام گرفت، مشخص شد که فرزندان خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت و شنود، مهارت‌های ارتباطی رشدیافته‌تری دارند که این به نوبه خود به آنها اجازه می‌دهد به طور مؤثر درباره نقش‌های خود و دیگران گفتگو کنند. آنها همچنین از مهارت‌های حل مسئله کارآمدتری برخوردارند که باعث می‌شود در موقعیت‌های مختلف عملکرد مناسبی داشته باشند که این به نوبه خود باعث افزایش عزت‌نفس و خودیابی بالا در آنان می‌گردد؛ و در نتیجه باعث ایجاد روابط زناشویی بهتری خواهد شد. نتایج پژوهش موحد و دسترنج (۱۳۸۹) نیز بر این نکته تاکید داشته است که نوع رفتار والدین افزون بر این که در رابطه با عزت نفس و جامعه‌پذیری فرد در خانواده‌ی پدری بیشترین نقش را ایفا می‌کند، بلو^۴ و همکاران، تأثیر سبک‌های دلبستگی و تعهد را بر رضایت زناشویی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که سبک‌های دلبستگی و تعهد بر رضایت زناشویی تأثیر مثبتی داشت. به طور کلی نیز از بین تمام متغیرهای مرتبط با جامعه‌پذیری دارای بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی برای متغیر عزت نفس بوده است. در همین پژوهش نشان داده شد که در خانواده‌هایی که توزیع قدرت، بیش تر دموکراتیک است، زنان از میزان عزت نفس بالاتری برخوردارند. در چنین خانواده‌هایی به دلیل کاهش سرکوب‌گری زنان و توجهی که به آنها و مشارکت‌شان در تصمیم‌گیری‌ها و مسایل دیگر می‌شود، زنان احساس سودمندی و ارزشمندی بیش‌تری نموده، لذا از عزت نفس بالاتری برخوردارند. با توجه به پژوهش‌های همسو و ناهمسو می‌توان گفت که پژوهش انجام شده با پژوهش‌های قبلی همسو بوده و وجود رابطه را میان متغیرهای پژوهش به درستی نشان می‌دهد که در تایید پژوهش‌های قبلی است که به وجود رابطه و توجه جدی به مولفه‌های رابطه‌ی خودباوری و عزت نفس با طلاق توافقی در مردان و زنان توجه می‌گردد.

متناسب با نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. با توجه به این که میان عزت نفس و خودباوری زوجین و طلاق توافقی در آنها رابطه وجود دارد می‌توان گفت توجه به دو عامل عزت نفس و خودباوری و افزایش آن در افراد می‌تواند از طلاق توافقی جلوگیری کند و تأثیر مناسبی روی آن داشته باشد.
۲. بهتر است پژوهش انجام شده در شهرهای دیگر و دانشکده‌های دیگر اجرا شود.
۳. میتوان از این پژوهش در سطح مختلف آموزشی و دانشگاه‌ها استفاده شود.
۴. میتواند در ادارات مختلف نیز این پژوهش را تکرار نمود و مورد ارزیابی قرار داد.

^۱ Shaver

^۲ Starr & Davila

^۳ Shackelford

^۴ Bello



منابع

۱. امیرحسینی، خسرو، مهارت‌های اساسی زندگی سالم (مهارت‌های مقابله‌ای)، چاپ اول، تهران: عارف کامل، ۱۳۸۳.
۲. بیابانگرد، اسماعیل، روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، چاپ دهم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۲.
۳. بیابانگرد، اسماعیل، جوانان و ازدواج، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۴. حسینی، اکبر، نوجوان امروز "شناخت و تربیت"، چاپ سوم، موسسه منادی تربیت: تهران، ۱۳۸۲.
۵. دوراهکی، زینب، بررسی اثر بخشی مهارت‌های برقراری ارتباط موثر و خودشناسی بر عزت نفس دختران دبیرستانی شهرستان دیر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ارسنجان، ۱۳۹۲.
۶. دیدگاه، طاهره، مقایسه کارکرد و محتوای خانواده در خانواده‌های مواجه شده با بی‌وفایی و خانواده‌های عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ارسنجان، ۱۳۹۰.
۷. رضازاده، حمیدرضا، درآمدی به روان شناسی خود، چاپ اول، گناد: تهران، ۱۳۷۶.
۸. رضازاده، محمدرضا، رابطه سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان شهر تهران، پایان نامه دکتری روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
۹. زرگر، فاطمه و همکاران، مقایسه عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلال افسردگی عمده با بیماران بدون اختلالات روان پزشکی در شهر اصفهان، تحقیقات علوم رفتاری، شماره ۲، صص ۱۰۶-۹۹، ۱۳۸۶.
۱۰. تیمورپور، نگار و همکاران، رابطه سبک‌های دلبستگی، رضایت مندی زناشویی و احساس گناه جنسی با میل جنسی در زنان، روانشناسی بالینی، شماره ۳، صص ۱۴-۱، ۱۳۸۹.
۱۱. ربیعی، پوریا و علیخانی، جواد، بررسی ارتباط بین سبک های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور بروجن، ۱۳۸۶.
۱۲. رجایی، علیرضا؛ نیری، مهدی و صداقتی، شیرین، رابطه بین سبک‌های مختلف دلبستگی با رضایتمندی زناشویی، روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، شماره ۱۲، صص ۳۵۶-۳۴۷، ۱۳۸۹.
۱۳. مویدفر، همام و همکاران، رابطه سبک های دلبستگی و عزت نفس اجتماعی، مطالعات روانشناختی، شماره ۱، صص ۷۲-۶۱، ۱۳۸۶.
۱۴. عظیمی، رضا، بررسی رابطه عزت نفس و استرس در میان معلمان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و برنامه ریزی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
۱۵. نوایی‌نژاد، شکوه، مشاوره ازدواج، چاپ چهارم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.

منابع لاتین

۱. Najm, Q. j . (۲۰۰۵) . Attachment styles and emotional intelligence in marital satisfaction a among Pakistani men and women . Retrieved Mar ۸ , ۲۰۰۷ , from: [http : // www. Tennessee state university](http://www.Tennessee state university).



۲. Wade, T. J., Thompson, V., Tashakkori, A., & Valente, E. (۱۹۸۹). A longitudinal analysis of sex by race differences in predictors of adolescent self-esteem. *Personality and Individual Differences*, ۱۰, ۷۱۷-۷۲۹.
۳. Pines, M.A.(۲۰۰۵). *Falling in love (why we choose the loves we choose)*. New York and hove: Routledge.
۴. Harter, S. (۱۹۹۹). Support from close family members, in Particular, has been associated with higher self – esteem for children and adolescents. *Journal of Adolescents*, ۳۱, ۲۱۰ – ۲۲۷.
۵. Moller, K., Hwang, C.P. ,& wickberg, B.(۲۰۰۶). Romantic attachment, parenthood and marital satisfaction. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, ۲۴, ۲۳۳- ۲۴۰ .
۶. Byrne, B. (۲۰۰۰). Relationships between anxiety, fear, self-esteem and coping strategies in adolescence. *Adolescence*, ۳۵(۱۳۷), ۲۰۱ -۲۱۵.
۷. Bello, R., B, _Brown., F, Ragsdale. (۲۰۰۸). Attachment style, marital satisfaction, commitment, and communal strength effects on relational repair message interpretation among remarried .*Journal Of Communication Quarterly* , ۵۶(۱): ۱_۱۶.
۸. Masuda. M. (۲۰۰۳). Meta-analysis of love scales: Do Various love scales measure the same psychological construct? *Japanese Psychological research*, ۴۵(۱), ۲۵- ۳۷.
۹. Alicia, A & Petery, F. (۲۰۰۲). *Self-esteem, it's not what you think*. University of Washington.
۱۰. Attari YA, Abbasi A, Mehrabizadeh Honarmand M. Examining simple and multiple relationships of religious attitudes as predictors of success or failure of marital relationship. *Journal of behavioral sciences research*, ۷:۲.